



Designing and validating a multicultural high school art curriculum model with an emphasis on Iranian ecosystems

Mostafa Foroutan, Alireza Sadeghi, ✉ & Mahmoud Mehrmohammadi

Abstract

Background and Purpose: Various intellectual, political, and religious schools consider art as an efficient tool for the development of various concepts and knowledge in the society and use it in the education of teenagers in a way that suits their goals. The present study was conducted with the aim of designing and validating a multicultural high school art curriculum model with an emphasis on Iranian ecosystems. **Research Method:** The research method was exploratory mixed (qualitative-quantitative). In the present study, the statistical population for the qualitative section included all documents related to the research topic, of which 14 documents were selected by the systematic data method of the foundation, and in the quantitative section included art teachers of Tehran high schools in the field of art, 230 people were selected as the sample size. The sampling method at this stage was cluster random. The research tool in the qualitative section was data collection focused on research documents in the field of multicultural curriculum with emphasis on Iranian ecosystems. In a small part, a researcher-made questionnaire was used. The validity and reliability of the instruments were evaluated and confirmed. The method of data analysis in the qualitative part of the theoretical coding was taken from the method of data theory of the foundation. In the quantitative part, to answer the research questions, tests such as Pearson correlation, confirmatory factor analysis and t-test were used. **Results:** The results of factor analysis showed that the categories of education on how to interact between cultures, the development of cooperation and interaction skills, familiarity with cultures and communities, curriculum objectives, curriculum content, learning process, art production and art criticism are central components and formation Donors were identified. **Conclusion:** the country's multicultural society, attention to the needs and growth of students and respect for different cultures were identified as causal or influential categories of the curriculum. In addition, educational justice, cultivation of thinking skills, personal growth and development, familiarity with the history of culture and art and peace and peaceful coexistence were identified as consequential categories.

Received: 26.06.2021

Revision: 09.09.2021

Acceptance: 13.09.2021

Keywords:

Curriculum,
Multiculturalism, Art,
Ecology of Iran

How to cite this article:

Foroutan, M., Sadeghi, A.R., & Mehrmohammadi, M. Designing and validating a multicultural high school art curriculum model with an emphasis on Iranian ecosystems. *Bi-Quarterly Journal of studies and psychological in adolescents and youth*, 2021, 2(1): 287-303

Article type

Original research

1. Mostafa Foroutan, Ph.D student of Curriculum Planning Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. **2. Alireza Sadeghi**, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. **3. Mahmoud Mehrmohammadi**, Professor, Department of Educational Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to **Alireza Sadeghi**, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Email: sadeghi.edu@gmail.com

طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم‌های ایران

مصطفی فروتن، علیرضا صادقی✉، محمود مهرمحمدی

چکیده
زمینه و هدف: مکاتب گوناگون فکری، سیاسی، اعتقادی، هنر را به منزله وسیله ای کارآمد جهت توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش نوجوانان به گونه‌ای متناسب با هدف های خود به کار گرفتند؛ لذا پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم های ایران انجام شده است. **روش پژوهش:** این پژوهش از نوع آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) بود. در پژوهش حاضر جامعه آماری برای بخش کیفی شامل کلیه اسناد مرتبط با موضوع پژوهش بود که ۱۴ سند به روش سیستماتیک داده بنیاد انتخاب شدند و در بخش کمی نیز شامل معلمان هنر دبیرستانهای تهران حوزه هنر بود که تعداد ۲۳۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این مرحله نیز از نوع تصادفی خوشه‌ای بود. ابزار پژوهش در بخش کیفی، جمع‌آوری داده‌ها متمرکز بر اسناد پژوهش در حوزه برنامه درسی چندفرهنگی با تأکید بر زیست بوم‌های ایران بود. در بخش کمی از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی و پایایی ابزارها مورد سنجش و تأیید قرار گرفت. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد بود. در بخش کمی، برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از آزمون‌هایی نظیر همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی تأییدی و آزمون تی تک بهره گرفته شد. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که مقوله های آموزش نحوه تعامل بین فرهنگها، رشد مهارتهای همکاری و تعامل، آشنایی با فرهنگها و جوامع، اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، فرایند یادگیری، تولید هنری و نقد هنری از مولفه های محوری و تشکیل دهنده شناسایی شدند. **نتیجه‌گیری:** جامعه چند فرهنگی کشور، توجه به نیازها و رشد دانش‌آموزان و احترام و ارج نهادن به فرهنگ‌های مختلف به عنوان مقوله‌های علی یا اثرگذار بر برنامه درسی شناسایی شدند. علاوه بر این، عدالت آموزشی، پرورش مهارت‌های تفکر، رشد و توسعه فردی، آشنایی با تاریخ فرهنگ و هنر و صلح و همزیستی مسالمت آمیز به عنوان مقوله های پیامدی شناسایی شدند.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

اصلاح مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

واژه‌های کلیدی:

برنامه درسی، چندفرهنگی، هنر، زیست بوم های ایران

نحوه ارجاع دهی به مقاله:

فروتن، م.، صادقی، ع.ر و مهرمحمدی، م. (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم های ایران. دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان، ۲(۱): ۲۸۷-۳۰۳

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

۱. مصطفی فروتن، دانشجوی دکتری گروه برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ۲. علیرضا صادقی، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، ۳. محمود مهرمحمدی، استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله خطاب به علیرضا صادقی، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران است.

پست الکترونیکی: sadeghi.edu@gmail.com

مقدمه

تربیت هنری به عنوان یکی از کارکردهای اساسی و مهم نظام آموزشی مطرح می باشد. اهمیت این کار کرد از آنجا ناشی می شود که تربیت هنری در ایجاد و بارورسازی زمینه های سازنده ای مانند بروز نوآوری و خلاقیت، رشد مهارت های فکری- شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و احساسات، تربیت عاطفی، ایجاد تغییرات عمیق در سلوک فردی، رشد اخلاقی، افزایش اعتماد به نفس، رشد مهارت دست ورزی کردن و... تاثیر شگرف دارد. از این روست که مکاتب گوناگون فکری، سیاسی، اعتقادی، هنر را به منزله وسیله ای کارآمد جهت توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه ای متناسب با هدف های خود به کار گرفتند (میرزاییگی، ۱۳۹۰). با توجه به کارکردهای متنوع هنر می توان گفت ما به تربیت هنری بیشتر و بهتر به منظور پرورش انسان های کامل و رشد یافته یعنی شهروندانی که تمدن شایسته و مناسبی را ارزش گذاری کنند نیازمندیم (فاولر^۱، ۱۹۸۹).

آنچه که در نظام آموزشی و در ارتباط با تربیت هنری ملاحظه می شود آن است که در مورد تعامل بین معلم و وقت مناسب و کافی، متاسفانه فکر اساسی نشده است. معلمان دوره ابتدایی در زمینه های آموزشی هنری آموزش دقیق و تخصصی ندیده اند (هراتی و همکاران، ۱۳۷۱). همچنین بر طبق شواهد پژوهشی، کمبودها در تدریس هنر در برنامه های درسی مدارس به عنوان یکی از مهمترین معضلات موجود در زمینه آموزش هنر ذکر شده است (واحد ارزیابی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۶۵). در مجموع بررسی ها و تحقیقات انجام گرفته، مشکلات عمده در اجرای برنامه آموزشی هنر در درجه اول کمبود وسایل و امکانات و در درجه دوم نبود علم مستقل هنر و در درجه سوم آموزش ناکافی در این زمینه مورد نظر می باشد.

گرفتن نتیجه چنین وضعیت نامناسبی در تربیت هنری در سطح خرد، محکوم کردن دانش آموز از مجموعه وسیعی از تجارب غنی آموزش و پرورش و در سطح کلان، عدم موفقیت نظام آموزشی در رشد و بروز قابلیت های شناختی

مثل خلاقیت، ایجاد نگرش های عاطفی مناسب و مهارت های کارآمد در دانش آموزان است. با عنایت به مطالب مذکور می توان نتیجه گرفت سازمان تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما از یک سو با محدودیت های نظری و فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرای عملی دست به گریبان است. عدم اعتقاد و باور برنامه ریزان آموزش به ضرورت نقش ویژه تربیت هنر در شکوفایی قابلیت ها و استعداد های مختلف دانش آموزان نظام آموزشی در تربیت هنری، همواره دارای نقش و جایگاه فرعی در برنامه های درسی در مدارس می باشد که ناظر بر مشکلات و کمبود های عمده ای است که در زمینه اجرای مناسب برنامه درسی هنر در مدارس وجود دارد.

درباره ارتباط بین فرهنگ و هنر در یک جامعه می توان اینگونه اذعان نمود که از یک سو هنر به طور کلی در تمام ابعاد آن متاثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است و ایده های بنیادین خود را از فرهنگ می گیرد. بنابر این فرهنگ، هنر را هدایت می کند، از سوی دیگر هنر می تواند به حفظ، تداوم و انتقال فرهنگی در یک جامعه کمک شایانی کند. زیرا همان گونه که چالمر^۲ (به نقل از بدرول^۳، ۲۰۰۶)، می گوید "هنر نیرویی نافذ و قدرتمند در کمک به شکل گیری نگرش ها، اعتقادات و باورها، ارزش ها و رفتارهای افراد است". این امر از جمله دلایل بسیار مهمی است که نظام های آموزشی باید نسبت به آموزش و تربیت هنری در محیط های آموزشی، توجه جدی نمایند.

از آنجا که ایران کشوری دارای فرهنگ ها و اقوام مختلف است، نیازمند به کار گیری تعلیم و تربیت چندفرهنگی است. از این رو به کارگیری شیوه های موثر در زمینه ی آموزش چند فرهنگی یکی از مهم ترین اهداف راهبردی سیاست های آموزشی آن است. تربیت هنری به عنوان یکی از روش ها و رویکردهای سودمند در زمینه تعلیم و تربیت چند فرهنگی رویکردهای سودمند در زمینه تعلیم و تربیت چندفرهنگی، رویکردی مناسب محسوب می شود.

برخی از کشورهای جهان دارای ماهیتی چند قومیتی و دارای در فرهنگ های متنوعی هستند. ایران یکی از

3. Badrul

1. Fowler
2. Chalmer

کوه ها نیز در مرزبندی اقوام دخالت داشته باشند(صالحی امیری، ۱۳۹۲).

چنانکه مشاهده می شود هر یک از اقوام ایرانی به فراخور جغرافیای مکانی که در آن سکونت دارند، آداب و رسوم و آیین هایی خاص خود را دارند که در سایر اقوام مشاهده نمی شود. ویژگی های خاص فرهنگی هر یک از اقوام ایرانی (مانند آداب و رسوم، نوع پوشش و لباس و...) که ریشه در شرایط جغرافیایی و مکانی آنها دارد، هویت قومی و فرهنگی ویژه ای به این اقوام می دهد که وجه تمایز آنان با سایرین شمرده می شود. تکثر و تنوع فرهنگی از آغاز پیدایش تانکون، جزئی از هویت و فرهنگ ایرانی بوده و آنچه امروزه ویژگی جدایی ناپذیر هویت ملی ایرانی است، اختصاص به قوم خاصی ندارد(قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰). دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ، مدیون گروه های مختلف قومی است؛ چرا که هر یک با افزودن لایه های هویتی و فرهنگی، به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده اند. به این لحاظ، هویت فرهنگی مردم ایران، فرهنگ و هویت گروه های قومی مختلف بوده که در گذر زمان شکل واحد و فرا قومی در حد یک ملت کهن یافته است (نساج، ۱۳۸۸).

توجه به تنوع فرهنگی در نظام آموزشی با محوریت درس هنر، دانش آموزان را از یک پنجره و یک آئینه برخوردار می کند. پنجره ای برای نگرستن به واقعیت ها، تجارب، داستان ها و خاطرات دیگران و آئینه ای که بازتابنده هویت فرهنگی دانش آموز و جامعه ای است که او به آن تعلق دارد(صاحب قلم به نقل از مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲). توجه به این مهم در برنامه درسی هنر(یعنی موضوعیت قائل شدن برای تربیت چندفرهنگی دانش آموزان)، دانش آموزان را به برقراری ارتباط با فرهنگهای مختلف تشویق می کشد و اشتراک های میان میراث فرهنگهای مختلف را برای آنها آشکار می سازد.

از ویژگی های بسیار مهم هنر، می توان به قابلیت انعطاف پذیری آموزش آن اشاره کرد که می تواند تسهیل گر تعلیم و تربیت چند فرهنگی باشد. این انعطاف پذیری را می توان از سازگاری آموزش هنر با هر دو نوع آموزش رسمی و غیر رسمی استنباط نمود. از یک لحاظ هنر را می توان

کشورهایی است متشکل از فرهنگ ها، اقوام و قومیت های گوناگون و واقعیت غیر قابل تردید ای است که نیمی از استانهای کشور به طور مستقیم دارای تنوع فرهنگی و قومی هستند(عراقیه و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۸). هر چند با تغییر و تحولاتی که در شرایط جغرافیایی و حد و مرزهای این سرزمین به وجود آمده است طبعاً ترکیب فرهنگی و قومی آن نیز به مرور زمان دستخوش تغییرات شده است، اما واقعیات، همچنان از وجود تنوع فرهنگی و قومی در آن حکایت دارد. بنابراین، کشور ایران یک کشور چند فرهنگی است (صادقی، ۱۳۹۱). «چندفرهنگی» مفهوم جدیدی است ناظر بر قرار گرفتن و حضور چند فرهنگ متفاوت در کنار یکدیگر(توانا و داودی، ۱۳۹۱). در جهان و یا در یک کشور با چند خرده فرهنگ. این در حالی است که با وجود چند فرهنگی بودن کشور، بررسی ها(فیاض و ایمانی قوشچی، ۱۳۸۹)، نشان می دهد که هنوز دانش چندفرهنگی در کشور وجود ندارد. در نظام آموزش و پرورش کشور نیز که بصورت متمرکز اداره می شود تا به امروز برنامه های درسی به تفاوت ها و ویژگی های خاص فرهنگ های و قومیت های موجود در کشور توجه شایسته را مبذول نداشته اند.(صادقی، ۱۳۸۹؛ عراقیه و همکاران، ۱۳۸۸).

تنوع و گوناگونی در ایران در زمینه های مختلف اقلیمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و جمعیتی به سادگی مشهود است. طبیعی است تنوع در ساختار فرهنگی، سیاسی و قومی کشور، عقاید و سلیق، گرایش ها و مطالبات متنوع را به ارمغان می آورد. اهمیت توجه به اقوام از آنجا ناشی می شود که کشور ایران از تنوع فرهنگی برخوردار است و در این برهه از زمان، با توجه به تحولات و شرایط خاص حاکم بر نظام بین الملل، توجه به مسائل قومی، به صورت علمی و منطقی و به دور از احساسات و تعصبات خاص، امری مهم و ضروری می نماید. عوامل مؤثر در تنوع قومی، همان عواملی اند که سبب مرزبندی آنهاست. این عوامل یا عناصر فرهنگی عبارتند از نام، زبان، دین، آداب و رسوم، موسیقی و رقص، لباس، احساس تعلق و همبستگی و به طور کلی فرهنگ و تاریخ مشترک. گاهی ممکن است علاوه بر عوامل یاد شده، عوامل طبیعی مانند رودخانه ها، دریاها و

این رویکرد ایزنر که رویکرد تربیت هنری دیسیپلین محور^۴ نام دارد، رویکرد مناسبی است که میتواند در تدوین برنامه تربیت هنری چندفرهنگی به نحو احسن مورد استفاده قرار گیرد. از ویژگی های بارز این رویکرد گستردگی و شمول قلمروهای مختلف هنری است که جامعیت این رویکرد را به تصویر می کشد. هر یک از چهار دیسیپلین رویکرد حوزه مهمی در یادگیری فعالیت های هنری را ارائه می دهند. مطالعه و بررسی آثار هنری پیرامون این دیسیپلین ها، تجربه یادگیری وسیع تری در حوزه هنر به همراه دارد. در ادامه هریک از چهار مقوله این رویکرد تشریح می شود (کاظم پور و همکاران، ۱۳۹۶).

متأسفانه امروزه در مدارس و مراکز آموزشی کشور، تربیت هنری به جد گرفته نشده و برنامه های درسی هنر از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند. در صحنه عمل تربیت هنری حتی در شکل مخروط ناقص خود به مصاف پدیده آموزشی بی اهمیت مطرح است که مدیر مدرسه در صورت ضرورت می تواند برای جبران عقب ماندگی درسی دانش آموزان در آنچه که در دروس مهم و اساسی نامیده میشود (مثل ریاضیات، علوم و ادبیات)، ساعاتی از وقت محدود این درس را گرفته و به آنها اختصاص دهد. نتیجه چنین وضعیتی، محروم کردن دانش آموزان از مجموعه وسیعی از تجارب غنی آموزش و پرورش و قلمروهای معنایی که تأثیری سازنده در ظاهر ساختن و بارور کردن استعداد بالقوه آنها دارد. در واقع در نظام آموزشی کشور، هنر در متن برنامه های درسی و هنر در قالب فعالیت های پرورشی، در هر دو جایگاه معلم و مربی نقش حاشیه ای دارد. ساعات این درس به غلط بیشتر صرف آموزش دروس دیگر و پر کردن سایر برنامه ها می شود. در مواردی هم معلم برای این درس در نظر گرفته می شود غالباً دارای حضور ضعیف در کلاس می باشد (هراتی، ۱۳۷۱).

کشور ایران، در طول تاریخ زیستگاه گروه های مختلف قومی و نژادی و زبانی و مذهبی و ... بوده و برمبنای تعریف پارخ^۵ (۲۰۰۸) میتوان گفت جامعه ای که در آن چندین

در کلاس درس و در قالب برنامه رسمی^۱ مدارس آموزش داد، از طرف دیگر نیز می توان با بهره گیری از برنامه درسی فوق برنامه^۲، به صورت غیر رسمی، به بهترین نحو به آموزش آن پرداخت. این قابلیت مهم هنر، در زمینه تعلیم و تربیت چند فرهنگی که توجه برابر به تنوع فرهنگی (عدالت اجتماعی) را می طلبد، می تواند بسیار کارآمد و اثربخش باشد؛ زیرا علاوه بر آنکه دانش آموزان در برنامه درسی رسمی (برنامه درسی هنر و جلوه های هنری سایر دروس)، به طور اجمالی با فرهنگ ملی کشور و نیز فرهنگ های محلی آشنا می شوند، با بهره گیری از بعد غیر رسمی برنامه درسی فوق برنامه) نیز در راستای تکمیل آموزه های برنامه درسی رسمی، زمینه شناخت بیشتر و عمیقتر فرهنگ ملی و فرهنگ های محلی نیز برای آنها فراهم می شود. این شیوه نه تنها هیچ نوع مغایرتی با نظام آموزشی متمرکز ندارد، بلکه در زمینه تعلیم و تربیت چند فرهنگی، یاری گر آن نیز خواهد بود.

هنر با همه گستردگی و در تمامی جلوه هایش بیانگر وجود قابلیت و زمینه ای است که به بهترین شیوه می توان از آن در خدمت به تعلیم و تربیت چند فرهنگی یاری جست. بنابراین با توجه به این ظرفیت و قابلیت، تدوین برنامه درسی هنر بر مبنای رویکرد چندفرهنگی، نیازمند بازبینی و تلاش های پیگیرانه جدی تری است. ایزنر^۳ به بررسی نقش و جایگاه تربیت هنری در نظام آموزشی پرداخته است و امروزه به تعبیری سردمدار به رسمیت شناختن جایگاه هنر در برنامه های درسی مدارس است. او ضمن نقادی وضعیت موجود، تصریح می کند که هنر و آموزش آن در مدارس به جد گرفته نمی شود و از نقش فرعی و حاشیه ای برخوردار است، به گونه ای که کم ترین و بدترین زمان ممکن در برنامه هفتگی به این دروس اختصاص داده می شود. وی مهم ترین اهداف و کارکردهای تربیت هنری را در چهار مقوله: تولید هنری، تقادای هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی خلاصه کرده است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰).

4. Discipline Based Art Education; DBAE
5. Parekh

1. Explicit Curriculum
2. Extra-Curricular
3. Eisner

با روش تربیت هنری آموزش دیده بودند نسبت به دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیدند هم از لحاظ فعالیت های هنری (نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و نمایش) و هم از لحاظ مهارت های فرآیندی (تفکر، تعامل، مشارکت، همکاری، نظم، دقت، و خلاقیت هنری) عملکرد بهتری داشتند. در پژوهشی دیگر تحت عنوان «ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره راهنمایی تحصیلی براساس رویکرد دیسیپلین محور» کاظم پور و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که حوزه تولید هنری، در برنامه درسی موجود آموزش هنر در دوره راهنمایی تحصیلی وجود دارد. در حالی که حوزه های نقد هنری، تاریخ هنری، و زیبایی شناسی، در برنامه درسی موجود آموزش هنر در دوره راهنمایی تحصیلی وجود ندارند. بدرول (۲۰۰۶) در مقاله ای تحت عنوان «چندفرهنگ گرایی در آموزش هنر؛ یک چشم انداز مالزیایی» بر این نکته مهم تأکید می کند که درک و فهم مفاهیم چندفرهنگگرایی و آموزش هنر، به آموزش دهندگان کمک می کند تا در کشوری همانند مالزی که چند فرهنگی است، پلی را میان دانش آموزان از فرهنگ های مختلف بسازند و میان آنها ارتباط برقرار نمایند. از سوی آدو پوکو (نقل از مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۹) در رساله خود با عنوان «برنامه درسی چندفرهنگی برای تربیت هنری با محوریت هنر آفریقایی؛ بدیلی برای برنامه درسی و آموزش» هدف از اجرای این برنامه را دستیابی به اهداف تربیت چندفرهنگی در کانادا که مقرر شده است دانش آموزان را برای فهم تنوع قومی فزاینده و پذیرش آن آماده نماید، حفظ میراث فرهنگی متنوع و کمک به دانش آموزان آفریقایی تبار تا هویت و موقعیت خویش را در متن جامعه چندفرهنگی کانادا بیابند، اعلام کرده است.

بدیهی است توجه به زیست بوم های متنوع و غنی ایران یکی از بهترین راه های حفظ و انسجام هویت ملی است. ضمن اینکه غفلت در این خصوص (آداب و سنن، هنرها، گویش، ادبیات و ...) می تواند منتج به فراموشی عمیق در حافظه تاریخ فرهنگ ایران گردد. در این میان می توان با نگاهی تخصصی بر وجوه مختلف فرهنگ نظیر هنر راهی تولید نمود تا ضمن پیشگیری از این خسارت بزرگ

فرهنگ امکان همزیستی در کنار هم می یابند جامعه ای چندفرهنگی است، بر این اساس ایران یک جامعه چندفرهنگی است (به نقل از صادقی، ۱۳۸۹). در این راستا صادقی (۱۳۹۱) بیان میدارد هدف اصلی برنامه درسی چندفرهنگی، ایجاد وفاق و اتحاد است نه افتراق و انتزاع. برخلاف باور عمومی برنامه های درسی چندفرهنگی خواهان "هرج و مرج"، "نگاه ترحم آمیز به فرهنگ ها و اقوام"، "سلطه جویی فرهنگی" و در صدد "استاندارد سازی فرهنگ ها" نیست. بلکه خواهان زندگی مسالمت آمیز و همکاری میان فرهنگ های مختلف است که در برخی موارد چندفرهنگی و تنوع فرهنگی با موارد مطروحه معادل گرفته شده است درحالیکه این موارد اساسا با روح چند فرهنگی ناسازگار بوده است.

علی رغم اهمیت هنر در آموزش چندفرهنگی، در این زمینه هم در داخل و هم در خارج از کشور به طور مستقیم تحقیقات بسیار اندکی انجام شده است و بیشتر به صورت اشارات سطحی در آثار علمی به آن توجه شده است. هولسبوش^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه ای با عنوان «تعلیم و تربیت چندفرهنگی از طریق یادگیری و آموزش مبتنی بر هنر» اذعان می دارد که بررسی جنبه هایی از چندفرهنگ گرایی از طریق تعلیم و تربیت مبتنی بر هنر، بر ایفای نقش حیاتی هنر در یادگیری درباره عدالت اجتماعی، مردم سالاری، شکل گیری هویت فرهنگی، پذیرش و درک درون فرهنگی و بین فرهنگی، و شهروند جهانی به واقعی ترین شکل خود، تأکید دارد. اسمیت (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود با عنوان «یک مطالعه موردی: آثار هنری دانش آموزان به عنوان شاخص هایی از چندفرهنگ گرایی در آموزش هنرهای تجسمی در مدارس متوسطه نیوزیلند» به این نتیجه رسیده است که آثار هنری دانش آموزان می تواند شواهدی عینی از نگرش ها و فعالیت های تربیتی معلمان به سوی شمول فرهنگی در آموزش هنرهای تجسمی باشد. در پژوهش فلاحی و همکاران (۱۳۹۰) که به بررسی تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت های هنری و مهارت های فرآیندی دانش آموزان پایه ی چهارم ابتدایی پرداختند به این نتیجه دست یافتند که دانش آموزانی که

جهت پاسخ به پرسشنامه برگرفته از بخش کیفی در زمینه عوامل علی، محوری، زمینه ای، مداخله گر، راهبردی و پیامدی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی با تاکید بر زیست بوم‌های ایران استفاده گردید. بنابراین روش نمونه‌گیری در این مرحله نیز از نوع تصادفی خوشه‌ای بود. حداقل حجم نمونه در پژوهش‌های با تحلیل عاملی ۲۰۰ نفر می‌باشد. بنابراین ۲۳۰ نفر از معلمان دبیرستانی هنر شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها متناسب با هر مرحله متفاوت است که بدین شرح می‌باشد:

در مرحله اول (کیفی) پژوهش:

گام اول از جمع‌آوری داده‌ها متمرکز بر اسناد پژوهش در حوزه برنامه درسی چندفرهنگی با تاکید بر زیست بوم‌های ایران بود که به شکل عملی با موضوع تحقیق ارتباط داشتند. لذا در این بخش از اسناد استفاده گردید. این مرحله با هدف کشف عوامل موثر بر برنامه درسی چندفرهنگی با تاکید بر زیست بوم‌های ایران صورت گرفت.

در مرحله دوم (کمی) پژوهش:

پرسشنامه: به‌عنوان به‌منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش و تعیین صحت و سقم آن‌ها در بخش کمی، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بر گرفته از کدهای حاصل از مصاحبه تنظیم شد. این پرسشنامه شامل سوالات بسته‌پاسخ با طیف لیکرت پنج‌گانه در خصوص برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تاکید بر زیست بوم‌های ایران می‌باشد که با نظرسنجی از معلمان هنر، تکمیل شده است. روایی پرسشنامه شامل روایی صوری، محتوا و روایی سازه است و اعتبار آن با ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی اندازه‌گیری شد.

گویه‌های پرسشنامه‌های این پژوهش شامل دو قسمت است:

الف) گویه‌های عمومی: در سؤال‌های عمومی هدف کسب اطلاعات کلی و جمعیت‌شناختی پاسخگویان است. این

(فراموشی ادبیات فرهنگی)، راهی برای اعتلای فرهنگ در کشوری با این پیشینه قطور و با افتخار یافت. از آنجا که مهم‌ترین درگاه توسعه دانش و ایجاد زیرساخت و نگرش در هر جامعه‌ای نظام آموزشی آن جامعه است، می‌باید برنامه‌های درسی با چنین چشم‌اندازی را در دستور کار قرارداد. عطف به آنچه گفته شد می‌توان گفت در این پژوهش، محقق به دنبال پاسخ گویی به این سوال است: الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تاکید بر زیست بوم‌های ایرانی چیست؟

روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر به‌دنبال طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تاکید بر زیست بوم‌های ایران منجر می‌گردد، لذا روش پژوهش به صورت آمیخته از نوع اکتشافی، از حیث بعد محیط، از نوع کتابخانه‌ای- میدانی و از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان مقطعی و از نظر روش اجرای پژوهش توصیفی- پیمایشی است.

کیفی: جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل کلیه اسناد مرتبط با موضوع پژوهش بودند. در رابطه با روش نمونه‌گیری در بخش کیفی، (اسناد پژوهش) که جهت استخراج عوامل علی، محوری، زمینه ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی با تاکید بر زیست بوم‌های ایران، با استفاده از رویکرد سیستماتیک داده‌بنیاد، انجام شد ملاک انتخاب اسناد در پژوهش حاضر متأثر از طرح و هدف پژوهش بوده است؛ بنابراین نمونه آماری در این مرحله به شیوه هدفمند انتخاب شده‌اند که در این مرحله حجم نمونه تا زمانی افزایش یافت که پژوهشگر به اشباع نظری دست یافت؛ بدین معنی که اطلاعاتی که از بررسی اسناد جدید به دست می‌آمد، از جنس همان پاسخ‌های قبلی بود و اطلاعات جدیدی تولید نگردید و لذا حجم نمونه در این مرحله ۱۴ سند در زمینه موضوع پژوهش بود.

کمی: در بخش کمی نیز شامل مدرسان و متخصصین حوزه هنر بود. در بخش کمی نیز از معلمان هنر شهر تهران با توجه به تخصص و سابقه آنها در زمینه آموزش هنر در

یافته‌ها

در پژوهش حاضر جامعه آماری برای بخش کیفی شامل ۱۴ اسناد مرتبط با موضوع پژوهش بود و در بخش کمی نیز شامل مدرسان و متخصصین حوزه هنر بود. همچنین در بخش کمی، در بین ۲۳۰ نفر شرکت کننده در پژوهش ۵۸،۳ درصد از آزمودنی‌ها زن و ۴۱،۷ درصد مرد بودند. ۳،۴ درصد از آزمودنی‌ها زیر ۳۰ سال، ۱۰،۱ درصد بین ۳۰ تا ۳۶ سال، ۳۱،۴ درصد بین ۳۷ تا ۴۳ سال، ۳۹،۷ درصد بین ۴۴ تا ۵۰ سال و ۱۵،۴ درصد بالاتر از ۵۰ سال سن داشتند. ۴۳،۴ درصد از آزمودنی‌ها دارای تحصیلات کارشناسی، ۴۸،۳ درصد کارشناسی ارشد و ۸،۳ درصد تحصیلات دکتری بودند.

یافته های مربوط به سوال اول پژوهش: مولفه‌های برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم های ایرانی کدامند؟

در شناسایی شاخص ها و مولفه های مولفه‌های برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم های ایرانی، ۱۴ سند مورد تحلیل قرار گرفت و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، که نرم‌افزاری حرفه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده توسط روش‌های کیفی و ترکیبی است، اسناد مورد تحلیل قرار گرفت و پس از کدگذاری‌های باز، انتخابی و محوری، مولفه ها تعیین شدند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که مقوله های آموزش نحوه تعامل بین فرهنگها، رشد مهارتهای همکاری و تعامل، آشنایی با فرهنگها و جوامع، اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، فرایند یادگیری، تولید هنری و نقد هنری از مولفه های محوری و تشکیل دهنده شناسایی شدند.

الف. مقوله‌های علی

این مقوله‌ها که حاصل شرایط علی یا شرایط مقدم است به حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی اطلاق می‌گردد که به وقوع یا رشد و گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (اشتراوس، کوربین، ۱۳۹۳).

قسمت شامل پنج سؤال است و مواردی مانند جنسیت، سن و تحصیلات مطرح شده‌اند.

ب) پرسشنامه برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم‌های ایران

گویه‌های تخصصی: این بخش شامل یک پرسشنامه محقق ساخته ۸۹ گویه‌ای و ۱ سؤال باز می‌باشد. در طراحی این بخش سعی شده است که تا حد ممکن، گویه‌های پرسشنامه برای پاسخگویان قابل درک باشد. این گویه‌ها از نوع بسته و از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد.

کیفی: روایی: برای حصول اطمینان از روایی ابزار در بخش کیفی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقت بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات ارزشمند اساتید آشنا با این حوزه و متخصصان دانشگاهی که در این حوزه خبره و مطلع بودند استفاده شد. همچنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی انجام گرفته استفاده شد.

کمی: به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری^۱، محتوایی^۲ و سازه^۳ استفاده شد. در روایی ظاهری پرسشنامه‌ها قبل از توزیع توسط پژوهشگر، برخی از اعضای نمونه و خبرگان فوق‌الذکر به لحاظ ساختاری، نگارشی، املائی و ... مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام شد. در روایی محتوایی در قالب یک روش دلفی و با کمک فرم‌های CVI و CVR و به کمک ده نفر از خبرگان شامل اعضای مصاحبه‌شونده، خبرگان دانشگاهی، چند نفر از آزمودنی‌ها و ... محتوای پرسشنامه از نظر سؤال‌های اضافی و یا اصلاح سؤال‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۴ محاسبه شد. مقادیر این دو ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری بود.

جدول ۱. کدها و مفاهیم علی در مدل تحقیق	
مقوله‌های علی	نمونه کدهای باز
جامعه چندفرهنگی کشور	بافتی چند قومی- سرزمین چند فرهنگی -ارزش و اهمیت ذاتی کثرت فرهنگ ها- واقعیت های اجتماعی -تنوع مثبت فرهنگ ها
توجه به نیازها و رشد دانش آموزان	برقراری ارتباط با پیشینه فرهنگی دانش آموزان- نیازهای کودکان را درک و محیط توجه به تفاوت های فردی انعکاس دهنده نیازها و علایق فرهنگی و زبانی تمامی دانش آموزان -تخصیص فرصت های یاددهی- یادگیری انتخابی و اختیاری
احترام و ارج نهادن به فرهنگ های مختلف	احترام و قدر دانی از تفاوت های فرهنگی -گنجاندن صدای همه فرهنگ ها -ارج گذاشتن به همه فرهنگ ها -به رسمیت شناختن فرهنگ های مختلف -ارج نهادن به فرهنگ های مختلف - احترام متقابل بین فرهنگ ها -پذیرش فرهنگ ها -بازتاب صداهای مختلف و متکثر -پذیرش تنوع قومی، نژادی -احترام گذاشتن و ایجاد نگرش مثبت به فرهنگ های مختلف -احترام به زبان، مذهب و آداب و رسوم -احترام به ارزش های فرهنگی خود و دیگران -پذیرش تنوع نگرش، اندیشه و ارزشها -نگرش مثبت به تنوع - گنجاندن صدای تمامی فرهنگ های موجود در یک نظام آموزشی -طرد مطلق گرای و پذیرش نسبی بودن فرهنگ ها

ب- مقوله‌های محوری
 به دلیل اینکه هیچ کدام از مقوله‌های تحقیق، انتزاعی‌تر از جدول زیر گویای نحوه انتخاب مقوله محوری در مدل سایر مقوله‌ها نبود، برای پدیده محوری نام متناسب با پژوهش است.

جدول ۲. کدها و مفاهیم محوری در مدل تحقیق	
مقوله‌های محوری	کدهای باز
آشنایی با فرهنگ ها و جوامع	آماده سازی دانش آموزان برای جهان با تنوع روزافزون- آموزش با هدف کاهش تعصب- درک مفاهیم بین فرهنگی معرفی و حفظ و گسترش فرهنگ و ارزش های گروه‌های قومی و فرهنگی متنوع- حساسیت به شیوه های دیگر تفکر و زندگی ایجاد یک محیط مناسب برای درک متقابل -توسعه سواد قومی و فرهنگی -انعکاس تجربیات گروه های متنوع قومی و فرهنگی مطالعه ی افراد گروه های متنوع فرهنگی- توجه به زیست افراد و گروه ها- حساسیت فرهنگی درک بهتر جامعه جهانی- کشف فرهنگ های دیگر - حساس نمودن کودکان در قبال کثرت گرای- رشد سواد قومی و فرهنگی- آگاه سازی کودک از وجود سایر فرهنگ ها -آشنایی با فرهنگ های مختلف در ابعاد بومی محلی و ملی آشنایی با فرهنگ های موجود در ایران
اهداف برنامه درسی	تجربه زیبایی شناسی- کسب معانی جدید از زندگی اجتماعی -مفاهیم زیبایی شناسی- دستیابی به گونه ای از دانش، بصیرت (نگرش وسیع و عمیق)، ارزش ها و معانی- رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی های هنرمندانه زیبایی شناسی- شکوفا کردن استعدادهای هنری دانش آموزان- آگاهی زیبایی شناسی- زیباشناسی- زیبایی شناسی -ارزش گذاری و زیبایی شناسی

محتوای برنامه درسی	گنجاندن محتوای مربوط به فرهنگ های مختلف- طراحی بر اساس زندگی روزمره و محیط اجتماعی و واقعیت های روز-توجه به خرده فرهنگ ها در تهیه محتوای درسی- انعکاس تنوع قومی، نژادی، محیطی، دینی و مذهبی در برنامه های درسی
فرایند یادگیری	پرورش هویت های اختصاصی متربیین در سطوح محلی، منطقه ای و مدرسه ای مختلف- فراهم کردن امکان پرورش تخیل و قوه خیال- فراهم سازی امکان کسب شایستگی- آموزش مهارت های اساسی- آموزش فضای مشترک قابل درک از خلاق هنرها
نقد هنری	کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری- نقد هنری- نقد هنری- ایجاد دید انتقادی و روحیه پرسشگری- رشد مهارت های مربوط به بررسی و تحلیل انتقادی آثار هنری- بررسی تحلیلی و انتقادی
تولید هنری	تلفیق هنرها- یاری کردن یادگیرندگان برای تولید هنری- دست ورزی کردن- قدردانی و ارزش گذاری آثار هنری- تولید هنر تولید هنری
تربیت هنری	توجه به پرورش حواس- ایجاد فرصت هایی برای کسب تجربه های زیباشناختی- رشد دادن و شکوفا کردن قابلیت ها و حساسیتهای فطری- تلقی تربیت هنری به مثابه تربیت عمومی و همگانی- فراهم کردن زمینه و شرایط آفرینشگری و خلاقیت منعطف بودن و ایجاد زمینه گرایش و تخصص هنری در متربیین- ایجاد زمینه تقویت هویت های مشترک در سطح جهانی و ملی توجه وحدت آفرین هنرها- توجه به تربیت هنری به منزله فرایند درسی- تسهیل رشد هوش هنری- واکنش هنری و شناخت نقش هنر در فرهنگ- کمک به شناخت ابعاد شخصی- امکان کسب تجارب مختلف زیبایی شناختی- در زندگی روزمره توسط یادگیرندگان آموزش اساسی حواس رشد- آگاهی متعالی- تجارب بصری آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری- رشد رویکرد آگاهانه نسبت به تصورات بصری- تربیت هنری پرورش- توانایی برقراری تعامل و تجربه کردن- ویژگی های زیباشناختی تربیت هنری آشنایی با ابزار و شیوه های بیان هنری- فعالیتهای گروهی زیبایی شناسی و ادراک حسی عمیق به پدیده های هنری- پرورش قوه فهم هنر- کاربرد درست و صحیح مواد و وسایل هنری- بروز و تجلی احساسات درونی- طراحی و نقاشی، خوشنویسی و گرافیک یادگیرندگان، طالب یادگیری هنر بوده- توجه به حوزه هنری خوشنویسی- توجه به حوزه هنری حرکات موزون- توجه به حوزه هنری موسیقی- ارتباط برنامه درسی هنر با واقعیت های روز- عملی و کاربردی فرهنگی و تاریخی
رشد مهارت های همکاری و تعامل	تقویت همبستگی و تحکیم هویت و وحدت ملی- بهبود تعاملات درون گروهی و بین فرهنگی- ارتباط با محیط اجتماعی کسب رفتارهایی همچون همدلی، نشان دادن احترام- ایجاد زمینه هایی برای یادگیری مشارکتی بین دانش آموزان در مدارس- افزایش مهارت ها تعاملی تقویت هویت بومی و ملی
آموزش نحو تعامل بین فرهنگ ها	آموزش همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ ها- آموزش روابط بین فردی تعامل آن با فرهنگ ملی و بین المللی- از بین بردن سوگیری ها و کلیشه ها- آموزش نحوه تعامل ایجاد تفاهم بین گروههای نژادی- خنثی کردن تنشها و تعارضات درون گروهی- تلفیق فرهنگ ها- زندگی مسالمت آمیز- و ترویج نوع دوستی- اصلاح عقاید کلیشه ای- مهارتهای اجتماعی چندفرهنگی- اصلاح عقاید و تعصبات کلیشه ای- تقویت ارتباطات فرهنگی- ارتقا تعامل و تفاهم فرهنگ ها و گروهها و اقوام آموزش مهارت های زندگی چند فرهنگی به افراد- احساس مسئولیت در قبال یکدیگر

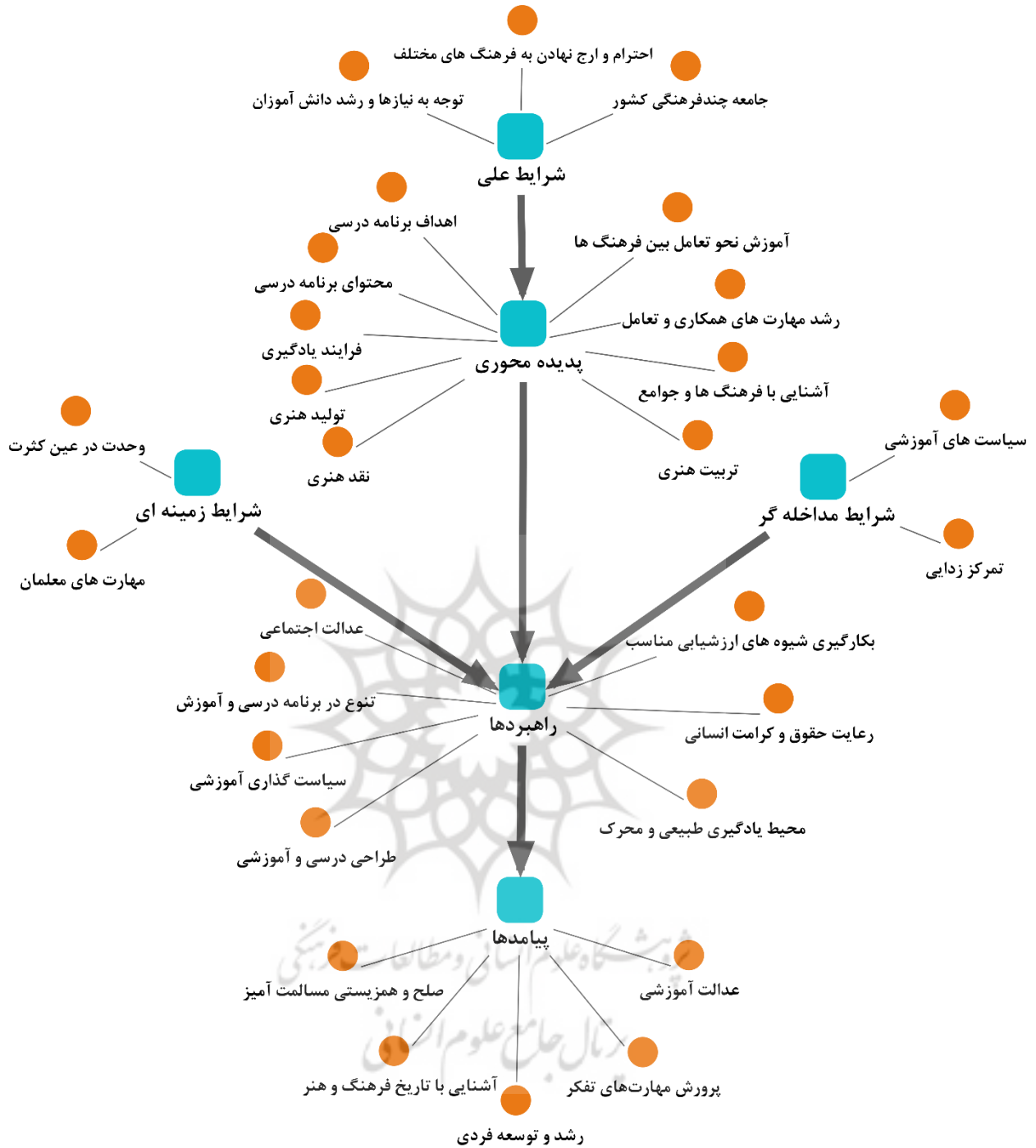
ج- مقوله‌های پیامدی (اشتراوس، کوربین، ۱۳۹۳). جدول زیر گویای نحوه مقوله‌های پیامدی نتیجه و حاصل راهبردها در رویارویی با پدیده و یا به منظور اداره و کنترل کردن پدیده است.

جدول ۳. کدها و مفاهیم پیامدی در مدل تحقیق	
مقوله‌های پیامدی	کدهای باز
عدالت آموزشی	برابری فرصتهای آموزشی آموزش عادلانه- عدالت و برابری آموزشی- فرصت های آموزشی و یادگیری برابر- رعایت عدالت تربیتی فرصت های یادگیری مساوی- تحقق برابری آموزشی- رعایت عدالت تربیتی- تربیت کیفی برای همگان فارغ از ویژگی های جنسیتی، فرهنگی، قومی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
پرورش مهارت های تفکر	کنجکاوی فکری- پرورش حواس، تفکر و عواطف- رشد خلاقیت- آگاهی خلاقانه- تأثیر متقابل فرهنگ و یادگیری بر همدیگر رشد و پرورش مهارت های تفکر
رشد و توسعه فردی	ایجاد تغییر در خود- انتقاد از خود- ایجاد شخصیتی سالم و متعادل- رشد و توسعه فردی- بهبودی فردی برای اصلاح اجتماعی تأثیر فرهنگ و نژاد انسان بر رشد و پیشرفت او- رشد و توسعه فردی- آگاهی انسانی- آگاهی ارتباطی- آگاهی انتخاب- آگاهی تجربه
آشنایی با تاریخ فرهنگ و هنر	یادگیری فرهنگ و هنر- شناخت و فهم تاریخی و فرهنگی- آشنایی با تاریخ هنر ایران- تاریخ هنر- تاریخ هنر- تاریخ هنر رشد آگاهی، ادراک و شناخت میراث فرهنگی و تاریخی جامعه- رشد نگرش های مطلوب و مثبت نسبت به هنر و آثار هنری
صلح و همزیستی مسالمت آمیز	زندگی مسالمت آمیز- و ترویج نوع دوستی- همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ ها- ارتقا تعامل و تفاهم فرهنگ ها و گروهها و اقوام آموزش مهارت های زندگی چند فرهنگی به افراد

سوال دوم چه الگویی برای برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تاکید بر زیست بوم های ایرانی می توان ارائه کرد؟

در نهایت بر اساس نتایج بخش کیفی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تاکید بر زیست بوم های ایرانی در شکل زیر آمده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱. مدل برآمده از نظریه داده بنیاد به روش سیستماتیک

تنظیم و در اختیار ۳۰ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. سپس داده های جمع آوری شده با استفاده از نمونه تی تک نمونه ای مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر قابل مشاهده است:

سوال سوم: اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تأکید بر زیست بوم های ایرانی چگونه است؟

برای بررسی برازش مدل نهایی، پرسشنامه سنجش مدل برای تعیین درجه تناسب مدل به صورت طیف پنج درجه ای

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای تعیین درجه تناسب مدل پیشنهادی جهت ارائه مدل نهایی

میانگین مورد انتظار = ۳

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف معیار	t	df	Sig.
۱	تطبیق آیا مفاهیم از داده‌های بررسی شده تولید شده است؟	۳,۶۸	۱,۲۵۱	۹,۴۵	۲۹	۰,۰۰۰
۲	قابلیت فهم آیا مفاهیم تشخیص داده می‌شوند و به شکل کلی نظام‌مند به هم مرتبط شده‌اند؟	۳,۸۴	۱,۲۲۵	۱۱,۹۰	۲۹	۰,۰۰۰
۳	آیا مقوله‌ها به خوبی تدوین شده‌اند؟	۳,۶۶	۱,۳۳۸	۸,۶۲	۲۹	۰,۰۰۰
۴	قابلیت تعمیم آیا نظریه چنان تبیین شده که تغییر شرایط متفاوت را در نظر بگیرد؟	۳,۸	۱,۲۵۷	۱۱,۰۵	۲۹	۰,۰۰۰
۵	آیا شرایط کلان‌تری که ممکن است بر پدیده مورد مطالعه اثر گذارد، تشریح شده است؟	۳,۷	۱,۱۸۵	۱۰,۲۷	۲۹	۰,۰۰۰
۶	کنترل آیا یافته‌های نظری با اهمیت به نظر می‌رسند؟	۳,۶۴	۰,۸۸۵	۱۲,۶۴	۲۹	۰,۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد:

۱- تطبیق

اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات قابلیت تعمیم، آماره t محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده‌شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت تعمیم مدل محسوب می‌شود.

۴- کنترل

در کنترل مدل، آماره t محاسبه شده (۱۲,۶۴) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۶۴) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابل کنترل بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات کنترل، آماره t محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده‌شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء کنترل مدل محسوب می‌شود.

سوال چهارم: وضعیت موجود عوامل الگوی برنامه درسی چندفرهنگی هنر دبیرستان با تاکید بر زیست بوم‌های ایرانی چگونه است؟

برای اینکه بدانیم وضعیت موجود متغیرهای پژوهش به چه میزان است، با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و مقیاس فاصله‌ای متغیرها از آزمون t استفاده شد. لازم به ذکر است

در تطبیق مدل، آماره t محاسبه شده (۹,۴۵) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۶۸) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد که تطبیق مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است.

۲- قابلیت فهم

در قابلیت فهم بودن مدل، آماره t محاسبه شده (۱۱,۸۲) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۷۵) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابلیت فهم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات قابلیت فهم، آماره t محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده‌شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت فهم مدل محسوب می‌شود.

۳- قابلیت تعمیم

در قابلیت تعمیم بودن مدل، آماره t محاسبه شده (۱۱,۸۲) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۷۵) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابلیت تعمیم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با

$$H_1: \mu \neq 3$$

نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر آورده شده است.

ارزش عددی برای مقایسه با آماره تی را عدد ۳ در نظر گرفتیم. در ادامه فرض صفر و پژوهش برای این سوال آورده شده است:

$$H_0: \mu = 3$$

جدول ۵. آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور بررسی وضعیت موجود					
بعد ارزش آزمون = ۳			سازه		
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف	سطح	مقدار	
حد بالا	حد پایین	میانگین	معناداری	تی	
۰,۶۹	۰,۴۸	۰,۵۹	۰,۰۰۰	۱۰,۸۳	شرایط علی
۰,۱۱	-۰,۱۲	۰,۰۰	۰,۹۶۱	-۰,۰۵	
۰,۶۰	۰,۳۹	۰,۴۹	۰,۰۰۰	۹,۲۷	
۰,۴۶	۰,۲۵	۰,۳۵	۰,۰۰۰	۶,۵۳	پدیده محوری
۰,۳۵	۰,۱۱	۰,۲۳	۰,۰۰۰	۳,۸۰	
۰,۳۵	۰,۱۰	۰,۲۲	۰,۰۰۱	۳,۵۳	
۰,۲۲	-۰,۰۱	۰,۱۱	۰,۰۶۳	۱,۸۷	
۰,۲۱	-۰,۰۱	۰,۱۰	۰,۰۷۸	۱,۷۷	
۰,۵۲	۰,۳۰	۰,۴۱	۰,۰۰۰	۷,۵۷	
۰,۴۱	۰,۱۹	۰,۳۰	۰,۰۰۰	۵,۲۶	
۰,۴۰	۰,۲۲	۰,۳۱	۰,۰۰۰	۶,۷۲	
۰,۲۵	۰,۰۵	۰,۱۵	۰,۰۰۴	۲,۹۴	
۰,۰۳	-۰,۲۰	-۰,۰۹	۰,۱۴۲	-۱,۴۷	
۰,۲۱	۰,۰۰	۰,۱۱	۰,۰۴۱	۲,۰۶	پیامدها
۰,۲۹	۰,۰۸	۰,۱۸	۰,۰۰۰	۳,۵۷	
۰,۲۶	۰,۰۳	۰,۱۵	۰,۰۱۱	۲,۵۵	
۰,۶۹	۰,۴۸	۰,۵۹	۰,۰۰۰	۱۰,۸۳	

در پدیده محوری و عدالت آموزشی در پیامدها بیشتر از ۰,۰۵ است؛ بنابراین، فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این ابعاد قبول و فرض پژوهش رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

کشور ایران، کشوری چند قومیتی است و اقوام ایرانی به فراخور جغرافیای مکانی که در آن سکونت دارند، آداب و رسوم و آیین‌هایی خاص خود را دارند که در سایر اقوام مشاهده نمی‌شود. ویژگی‌های خاص فرهنگی هر یک از اقوام ایرانی (مانند آداب و رسوم، نوع پوشش و لباس و ...) که ریشه در شرایط جغرافیایی و مکانی آنها دارد، هویت

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، سطح معناداری در همه ابعاد کمتر (بغیر از توجه به نیازها و رشد دانش‌آموزان در شرایط علی، فرایند یادگیری و نقد هنری در پدیده محوری و عدالت آموزشی در پیامدها) از ۰,۰۵ می‌باشد؛ بنابراین، فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این ابعاد رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، با توجه به اختلاف میانگین‌ها که مقادیری مثبت هستند، چنین استنباط می‌شود که وضعیت ابعاد در حالت مطلوب می‌باشد. اما، سطح معناداری در توجه به نیازها و رشد دانش‌آموزان در شرایط علی، فرایند یادگیری و نقد هنری

قومی و فرهنگی ویژه ای به این اقوام می دهد که وجه تمایز آنان با سایرین شمرده می شود (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). این تفاوت در فرهنگها، هویت ایرانیان را نشان می دهد. دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ، مدیون گروه های مختلف قومی است. توجه به تنوع فرهنگی در نظام آموزشی با محوریت درس هنر، باعث می شود تا دانش آموزان دیدی کلی نسبت به اقوام ایرانی داشته باشند، ضمن اینکه از یک دیدگاه به قومیت ایرانی خواهند پرداخت. با ارائه این نوع درس، دانش آموزان، واقعیت ها، تجارب، داستان ها و خاطرات دیگران را در کشور خود درک کرده و هویت فرهنگی خود را اینگونه می سازند (نساج، ۱۳۸۸: ۱۵۰). توجه به این مهم در برنامه درسی هنر (یعنی موضوعیت قائل شدن برای تربیت چندفرهنگی دانش آموزان)، دانش آموزان را به برقراری ارتباط با فرهنگهای مختلف تشویق می کشد و اشتراک های میان میراث فرهنگهای مختلف را برای آنها آشکار می سازد (صاحب قلم به نقل از مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷). در پژوهش حاضر نیز با توجه به حساسیت این موضوع، بدان پرداخته شد و در قالب مدلی جامع شرایط علی، محوری، پیامدی، زمینه ای، راهبردی و مداخله گر، مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش از ۱۴ سند استفاده شد و پرسشنامه طراحی شده در اختیار معلمان دبیرستانی شهر تهران قرار گرفت. در این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی به مطالعه و تحلیل پرداخته شد. نتایج حاصل نشان داده که در بین مولفه های شرایط علی، مولفه های احترام و ارج نهادن به فرهنگهای مختلف، توجه به نیازها و رشد دانش آموزان و جامعه چندفرهنگی کشور به ترتیب اولویتهای ۱ تا ۳ را به خود اختصاص دادند. همچنین، در بین مولفه های پیامدی، مولفه های پرورش مهارت های تفکر، صلح و همزیستی مسالمت آمیز، عدالت آموزشی، رشد و توسعه فردی، آشنایی با تاریخ فرهنگ و هنر، اولویتهای ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده اند. در بین شرایط زمینه ای، مقوله های مهارت های معلمان، وحدت در عین کثرت در اولویتهای ۱ و ۲ قرار دارند. در مورد مقوله های مداخله گر، تمرکززدایی و سیاست های آموزش در اولویتهای ۱ و ۲ قرار دارند. در مورد مقوله های راهبردی،

طراحی درسی و آموزشی، به کارگیری شیوه های ارزشیابی مناسب، عدالت اجتماعی، رعایت حقوق و کرامت انسانی، سیاستگذاری آموزشی، تنوع در برنامه درسی و آموزش و محیط یادگیری طبیعی و محرک رتبه های ۱ تا ۷ را به خود اختصاص داده اند. با توجه به یافته های پژوهش می توان دریافت که از ویژگی های بسیار مهم هنر، می توان به قابلیت انعطاف پذیری آموزش آن اشاره کرد که می تواند تسهیل گر تعلیم و تربیت چند فرهنگی باشد. این انعطاف پذیری را می توان از سازگاری آموزش هنر با هر دو نوع روش آموزش رسمی و غیر رسمی استنباط نمود. آموزش هنر در مدارس کشور، گامی موثر در ایجاد هویت چند فرهنگی است که در اقلب یک هویت ملی شناخته می شود. اینکه دانش آموزان وحدت را درک کنند، زندگی مسالمت آمیز را بسناسند، به هم نوعان خود با قومیت های دیگر احترام بگذارند و فرصتهای یادگیری را مغتنم بشمارند، از ویژگیهای برنامه درسی چند فرهنگی است. در پژوهش حاضر مشخص شد که در شرایطی که عوامل موثر ایجاد شوند و سازوکارهای لازم برای اجرای برنامه ی درسی موجود باشند، می توان امید داشت که چنین برنامه درسی به ثمر برسد. برنامه درسی که تجربه زیبایی شناسی، کسب معانی جدید از زندگی اجتماعی، دستیابی به گونه ای از دانش، بصیرت (نگرش وسیع و عمیق)، را فراهم می آورد. رشد مهارت های مربوط به بررسی و تحلیل انتقادی آثار هنری و بررسی تحلیلی و انتقادی را به دنبال دارد، طراحی محتوای دروس بر اساس زندگی روزمره و محیط اجتماعی و واقعیت های روزو توجه به خرده فرهنگ ها انجام شده است و تلفیق هنر و رسیدن به ارزش مندی هنر و زیبایی شناختی د رآن مطرح شده است. این برنامه می تواند عدالت آموزشی، کنجکاوی فکری، رشد و توسعه فردی، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و صلح و همزیستی مسالمت آمیز را به همراه داشته باشد.

پیشنهادهای مبتنی بر یافته های پژوهش

- احترام و قدر دانی از تفاوت های فرهنگی انجام شود. بدین منظور از دانش آموزانی که دارای فرهنگهای متفاوت

فصلنامه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. سال پنجم. شماره ۱۸. صص: ۹-۱۸.

صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۹۲). *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

عراقیه، علیرضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ فروغی ابری، احمدعلی و فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۸). تلفیق راهبردی مناسب برای تدوین برنامه درسی چند فرهنگی. *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. دوره دوم، شماره ۱، صص: ۷۳-۱۰۱.

عراقیه، علیرضا و فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۱). جایگاه چندفرهنگی در آموزش مدرسه ای و آموزش عالی. راهبرد فرهنگ، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸، صص: ۴۳-۵۲.

فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی؛ یوسف فرحنگ، ماندانا. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت های هنری و مهارت های فرآیندی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. *نواوری‌های آموزشی*. دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص: ۱۰۱-۱۱۸.

فیاضی، ایراندخت و ایمانی قوشچی، فریبا. (۱۳۸۹). بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و علوم اجتماعی دوره متوسطه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و ریاضی فیزیک در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. دوره ۶، شماره ۱۷، صص: ۳۰-۶۸.

قاسمی، علی اصغر و ابراهیم آبادی، غلامرضا. (۱۳۹۰). نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران. *راهبرد*. دوره ۲۰، شماره ۵۹، صص: ۱۰۷-۱۳۸.

کازم پور، اسماعیل؛ غفاری، خلیل و اوقانی همدانی، مریم. (۱۳۹۶). تاثیر برنامه درسی آموزش هنر دیسپلین محور بر تربیت هنری دانش آموزان دوره ابتدایی، <https://civilica.com/doc/1014141>

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۲). تبیین انتظارات متقابل جامعه علمی مطالعات برنامه درسی و نظام آموزشی: بحثی در زمینه بازسازی منزلت حرفه ای رشته و دانش آموختگان آن در جامعه ایران. *نظریه و عمل در برنامه درسی*، سال اول، شماره ۲، صص: ۱۰-۲۲.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درسهای خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. *تعلیم و تربیت*، سال بیست و هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۰۵)، صص: ۵۵-۷۱.

در کلاس هستند تقاضا شود تا در مورد آداب و رسوم خود صحبت کنند.

- همه فرهنگها مورد تجلیل قرار گیرند. معلم با داستانهای مختلف که نشان از احترام به فرهنگهای مختلف ایرانی است، این مقوله را به انجام برساند یا از دانش آموزان بخواهد در مورد فرهنگ بومی خود تحقیق کنند.
- پذیرش تنوع قومی، نژادی انجام گیرد. برای این کار با پرپایی نمایشگاههایی با موضوع تبعیض نژادی و قومی در کشور، آزدانش آموزان خواسته شود تا این تبعیضها را نشان دهند.
- به نیازهای دانش آموزان توجه ویژه شود برای ان کار معلمان می توانند در برگه هایی از دانش آموزان بخواهند نیازهای آموزشی خود را با توجه به فرهنگ خود و انتظاری که از درس هنر برای برطرفکردن آن نیاز دارند بیان کنند.
- در مورد تنوع مثبت فرهنگها با دانش آموزان صحبت شود و زیبایی داشتن فرهنگهای مختلف در یک ملت بررسی و تبیین گردد.
- روابط بین فردی و تعامل با فرهنگ ملی و بین المللی آموزش داده شود. برای این کار از گزینه های فرهنگی مختلف و در دسترس می توان استفاده کرد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

توانا، محمدعلی و داوودی، آریس. (۱۳۹۱). سیاست چند فرهنگی و تعلیم و تربیت ارزشها؛ آموزش ارزشهای اسلامی در دنیای چندفرهنگی. *معرفت*. سال بیست و یکم، شماره ۱۷۹، صص: ۱۲-۲۰.

صادقی، علیرضا. (۱۳۹۱). ویژگیها و ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چندفرهنگی در ایران: بررسی چالشها و ارائه راهبردها. *راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۷ و ۱۸، صص: ۹۳-۱۲۱.

صادقی، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران براساس رویکرد آموزش چندفرهنگی.

- Badrul, I. (2006). Multiculturalism in art education: A Malaysian perspective. *Faculty of Education, Universiti Teknologi Mara, MALAYSIA*.
- Fowler, C. (1989). The Arts Are Essential to Education. *Educational Leadership*, 47(3), 60-63.
- Hulsbosch, M. (2010). Multicultural education through arts-based learning and teaching. *Multicultural Education Review*, 2(2), 85-101.
- Parekh, B., Singh, G., & Vertovec, S. (Eds.). (2003). *Culture and economy in the Indian diaspora*. Routledge.
- Smith, J. E. (2010). Biculturalism and multiculturalism: Competing tensions in visual arts education in Aotearoa-New Zealand. *International Journal of Multicultural Education*, 12(2).
- مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان. (۱۳۹۹). برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- میرزاییگی، علی. (۱۳۹۰). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. تهران: مدرسه.
- نساج، حمید. (۱۳۸۸). جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی با تاکید بر مولفه های زبان و آداب و رسوم. پژوهش سیاست نظری. دوره جدید، شماره ۵، صص: ۱۲۹-۱۵۶.
- هراتی، محمدمهدی و همکاران. (۱۳۷۱). آموزش هنر: برای دانش آموزان سال دوم دوره راهنمایی تحصیلی. تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی.

